

مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های چندزن و تک‌همسر

شهر زاهدان

محمدتقی شیخی*، نعیم محمدی**

چکیده: ساختار خانواده تک‌همسر تفاوت معنی‌داری با ساختار خانواده چندهمسر دارد. از این‌رو، روابط خانوادگی متفاوتی در هر یک از این دو ساخت مشاهده شده است. هر زمان که تغییراتی اساسی در شکل، شیوه سکونت و تعداد اعضاء خانواده بر حسب نقش و پایگاه آن‌ها ایجاد شود، محتوای کشمکش از یک سو و شدت کشمکش از سوی دیگر در روابط خانوادگی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این در حالی است که همه نظریه‌های موجود، خانواده را محیطی صمیمی تعریف می‌کنند. منطبق با نظریات به کار رفته، در ساختار چندهمسر که افراد مختلفی به دنبال ایفای نقش‌های همسان برمی‌آیند؛ اعضای خانواده به شکل آشکار یا پنهان جهت دستیابی به منابع مشترک، ارزشمند و کمیاب از مکانیزم رقابت استفاده می‌کنند. به این ترتیب مشروعیت سیستم زیر سؤال رفته و درجه‌ای از کشمکش در روابط قدرت، روابط عاطفی و روابط جنسی ایجاد می‌شود. در این مطالعه، به منظور ارزیابی فرضیه تحقیق، ۳۰۰ زن از طریق پرسشنامه همراه با مصاحبه مورد بررسی قرار گرفته‌اند که ۱۵۰ نفر در خانواده تک‌همسر و ۱۵۰ نفر دیگر در خانواده چندزن عضویت داشتند. متغیر مستقل تحقیق، ساختار خانواده و متغیر وابسته کشمکش در روابط خانوادگی می‌باشد. در بخش مربوط به یافته‌های تحقیق فرض وجود ارتباط معنادار میان ساختار خانواده با محتوای کشمکش و شدت کشمکش به اثبات تجربی رسید. بر اساس نتایج تحقیق محتوای کشمکش در روابط قدرت، روابط عاطفی و جنسی با بیشترین شدت کشمکش، در خانواده‌های چندزنی که در منزل مشترک سکونت داشتند؛ بیش از خانواده‌های تک‌همسر ملاحظه شد. در میان خانواده‌های تک‌همسر نیز شدیدترین کشمکش در خانواده‌های تک‌همسر گسترده به دست آمد؛ در حالی که شدت کشمکش در خانواده‌های تک‌همسر هسته‌ای در پایین‌ترین سطح قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: ساختار خانواده، روابط خانوادگی، خانواده چندزن، کشمکش.

مقدمه و طرح مسئله

دین و خانواده از جمله نهادهای اجتماعی هستند که در حوزه مقدس قرار می‌گیرند و از این جهت دارای جایگاه متعالی برای فرد و جامعه می‌باشند (سیف، ۱۳۶۸). در واقع خانواده بخشی از سیستم اجتماعی است که هم تحت تأثیر دیگر نهادهای اجتماعی قرار می‌گیرد و هم امکان ایجاد تغییر در آنها را فراهم می‌نماید (بیلز و پارسونز^۱، ۱۹۹۸: ۱۰۹). از آنجا که ازدواج اغلب به شیوه‌های قانونی، دینی و فرهنگی اطلاق می‌شود که ماهیت و کیفیت آن توسط هنجارهای اجتماعی بر ساخته می‌شود؛ لذا می‌توان به لحاظ ساختی از ازدواج تک‌همسر و چندهمسر نام برد که در جوامع مختلف جایگاه‌های متفاوتی دارند (برنالد، ۱۳۸۴: ۲۳۷). منشأ پیدایش چندزنی را انسان‌شناسان هم‌زمان با شیخویت پدری دانسته‌اند و عقیده دارند که پس از اهلی شدن حیوانات مسئله چرای دام‌ها مورد توجه قرار گرفت که در نتیجه، فرایند مالکیت زمین گسترش یافت (فرید، ۱۳۸۳: ۹۷). به‌طور کلی ازدواج چندهمسری در جوامع جمعی^۲، الگویی مرسوم به‌شمار می‌رود. در این جوامع نرخ باروری بالاست و فرزندان به‌عنوان منبع تأمین‌کننده نیروی کار و ثروت، حامی منافع اقتصادی و اجتماعی والدین قلمداد می‌شوند. به همین دلیل تمایل به داشتن فرزند زیاد از طریق حمایت از ساختار چندهمسری برای نظام خانواده انجام می‌گیرد (البدور^۳، ۲۰۰۷: ۳۲-۳۳). اگرچه چندزنی در ایران ساختار غالب نظام خانوادگی محسوب نمی‌شود اما در سال‌های ۱۳۶۵ به دلیل وجود شرایط بحرانی ناشی از جنگ ایران و عراق نرخ چندزنی در کشور به شکل قابل ملاحظه‌ای در کل کشور افزایش یافت (امانی، ۱۳۸۰: ۴۲). این درحالی است که چندزنی در برخی نواحی کشور نظیر سنج، خراسان شمالی، آذربایجان غربی، لامرد، کهنوج، بوشهر، خوزستان و زاهدان به میزان بسیار بالایی وجود دارد (مجاهد، ۱۳۸۳). در زاهدان از میان ۱۵۱۱۰۰ زوج ۸۶۷۹۹ نفر بیش از یک زن دارند. در این میان ۶۵۴۲۵ نفر دو زن و ۲۱۳۷۴ نفر به‌طور هم‌زمان سه یا چهار زن دارند. تعداد خانواده‌های تک‌همسر در این شهر ۶۴۳۰۱ نفر می‌باشد. به این معنا که ۴۲/۵ درصد از خانواده‌های موجود در زاهدان دارای ساختار تک‌همسر هستند و ۵۸/۵ درصد از آنان در خانواده‌های چندزن به سر می‌برند (مرکز آمار استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۵). از طرف دیگر این شهر با وجود ۱۰/۲ درصد زن سرپرست خانوار، پس از استان خراسان رتبه دوم را دارد (خسروی، ۱۳۸۰: ۷۴).

^۱. Bales & Parsons

^۲. Collective Society

^۳. Elbedour

مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های شهر زاهدان ۱۸۵

همچنین میزان قتل و خشونت‌های خانوادگی در این شهر در مقایسه با دیگر شهرهای کشور به شکل چشم‌گیری بالا است (مرکز مطالعات اجتماعی ناجا، ۱۳۸۵). این شواهد می‌تواند تا اندازه زیادی گویای کاهش انسجام و صمیمیت در روابط خانوادگی باشد که در برخی مناطق کشور ایران قابل ملاحظه است. با توجه به آن چه گفته شد مسئله تحقیق حاضر این است که چنانچه بپذیریم اساس تشکیل خانواده بر پایه تشریک مساعی، توافق و صمیمیت میان اعضای شکل می‌گیرد که از منابع مشترک به شکل مسالمت‌آمیزی استفاده می‌کنند (روزن‌باوم، ۱۳۶۷: ۹۵)؛ با افزایش تعداد نقش‌های همسان در خانواده، محتوای روابط خانوادگی متأثر می‌شود به طوری که هر عضو برای کسب مشروعیت، منزلت و قدرت بیشتر به رقابت با دیگر اعضای خانواده می‌پردازد؛ بنابراین روابط خانوادگی متأثر از ساختار خانواده و موقعیت فرد درون سیستم تغییر شکل پیدا می‌کند. در ساختار چندزنی وجود هووهای که دارای نقش‌های یکسان و پایگاه‌های متفاوت هستند، از یک سو زمینه را برای رقابت در استفاده از منابع مشترک فراهم می‌کند و از سوی دیگر عدم توافق در نحوه تقسیم‌کار و استفاده از منابع موجود را فراهم می‌کند. مجموعه این عوامل روابط خانوادگی را به سمت کشمکش پنهان یا آشکار سوق می‌دهد.

مبانی نظری

در مطالعه حاضر جهت تحلیل روابط خانوادگی از تئوری پردازان مکتب کارکردگرایی و تضادی استفاده شده است. هر یک از این تئوری‌ها جهت تبیین بخشی از روابط میان زوجین در خانواده‌های تک همسر و چندزن به کار گرفته شد (لیدر^۱، ۲۰۰۴).

ویلیام گود^۲ در مکتب کارکردگرایی شش مشخصه کارکردی را در تعریف خانواده عنوان می‌کند: ۱- وجود حداقل دو فرد از دو جنس مخالف ۲- مشارکت در یک نظام تقسیم کار مشترک ۳- بهره‌مندی از منافع اقتصادی و اجتماعی مشترک ۴- دخالت در امور مربوط به فرزندان ۵- برخورداری از مشروعیت یکسان در چارچوب خانواده ۶- سهیم شدن در یک رابطه جنسی متقابل (گود، ۱۹۸۹). او همچنین روابط خانوادگی را متأثر از تعادل نسبی در تقسیم منابع تعریف می‌کند. بنابراین هر گاه در تقسیم منابع خللی ایجاد شود تنش و برخورد بازتولید می‌شود. از این رو حضور و عدم حضور یک عضو در شیوه ایفای نقش و عملکرد درونی دیگر افراد خانواده تأثیر می‌گذارد؛ در واقع با ورود هر زن جدید روابط به شکل تصاعد ریاضی گسترش می‌یابد و

1. Leeder

2. William Goode

خانواده وارد شبکه جدیدی می‌شود. این افراد پایگاه‌های مختلفی را اشغال می‌کنند و جهت ایفای نقش‌های مشابه در فرایند تقسیم کار با یکدیگر مشارکت می‌نمایند. بنابراین نزاع بر سر کسب مشروعیت، بالا می‌گیرد؛ زیرا هر یک از این زنان نیروهایی را تولید می‌کند که در بهره‌مندی از منابع مشترک خانواده سهمی دارند و تلاش هر مادر در راستای ترغیب شوهر به اعطای منابع بیشتر برای پسرش به شکل پنهان وجود دارد (گود، ۱۹۸۹). نتایج به‌دست آمده از تحقیق او نشان می‌دهد که در خانواده‌های فاقد مادر رفتارهای مردانه غالب می‌شود و در صورت فقدان پدر تربیت مادرانه در رفتارهای فرزندان رنگ و روی قوی‌تر خواهد داشت. در این خصوص وجود برادر و یا خواهر بزرگ‌تر نیز آشکال خاصی از روابط خانوادگی را تولید می‌کند. در نهایت او معتقد است زندگی سه نسل اعم از مادر بزرگ و پدر بزرگ، والدین و فرزندان در کنار هم تولیدکننده شیوه خاصی از روابط تنش‌آلود خانوادگی است. زیرا در این ساختار نوعی تداخل نقش در رابطه مادر بزرگ و مادر بر سر ابراز رفتار محبت‌آمیز با کودک شکل می‌گیرد. در این کشمکش عضوی که دارای قدرت و مشروعیت بیشتر است امکان تحمیل اراده‌اش را بر دیگری پیدا می‌کند (همان: ۶۵). بر اساس آنچه مطرح شد، تئوری همگرایی^۱ گود به تبیین دگرگونی اجتناب‌ناپذیر نظام خویشاوندی همراه با تغییرات اجتماعی در جامعه صنعتی اشاره دارد. او خانواده هسته‌ای را محصول این تغییرات می‌داند. جامعه‌ای که با محدود نمودن کارکردهای خانواده به خصوصی شدن روابط خانوادگی تأکید دارد (اعزازی، ۱۳۷۶). گود برای تبیین روابط میان زوجین در خانواده‌های هسته‌ای از «عشق» به‌عنوان یک قابلیت عاطفی یاد می‌کند که در تمام جوامع دیده می‌شود. تفاوت‌ها در جوامع مختلف صرفاً بر سر نحوه جای دادن آن در ساختار اجتماعی است (لیدر، ۲۰۰۴: ۷۷-۷۸).

تالکوت پارسنز^۲ نماینده دیگر این مکتب در نظریات خود در جامعه مدرن از «من» و «تو» به‌عنوان دو مفهوم کلیدی در خانواده و جامعه صحبت می‌کند. به عقیده او ساختار نظام شخصیت در درون خانواده نیز تحت تأثیر باور فردگرایی قرار گرفته است؛ به این ترتیب سیستم تقسیم کار متناسب با اندازه و تعداد اعضای خانواده تنظیم می‌شود. از این‌رو با کوچک شدن اندازه خانواده و پیدایش خانواده‌های هسته‌ای در جامعه جدید علاوه بر نظام تقسیم کار، تعریف پایگاه اجتماعی و نحوه ایفای نقش هر یک از اعضا، متناسب با نیاز ساختار مشخص می‌شود (پارسنز، ۱۹۹۸: ۳۲). پارسنز معتقد است مهم‌ترین عامل در حفظ بقا و تعادل یک

1. Convergence Theory

2. Parsons, Talcott

مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های شهر زاهدان ۱۸۷

سیستم اجتماعی تقسیم متعادل و توافق‌آمیز منابع است. نحوه قرار گرفتن هر یک از مهره‌های اصلی درون چارچوب خانواده و چگونگی شکل‌گیری نظام شخصیتی آنان در روشن نمودن جایگاه نقشی (پایگاه) فرد در نظام کنش و تنظیم روابط فرد با دیگر اعضای خانواده تأثیر دارد. به همین دلیل در مواردی «رهبری ابزاری»^۱ و در موارد دیگر «رهبری موقعیتی»^۲، رویکرد غالب است (زلدیچ^۳، ۱۹۹۸: ۱۳۹). در فرایند تقسیم کار تعیین زیردست و رهبر ضرورت دارد. زیرا هویت اعضای گروه، بسته به نوع نقشی است که هر یک برعهده دارند (روزن‌باوم، ۱۳۶۷: ۷۶؛ برنالد، ۱۳۸۴). اگرچه در این تئوری مرد وظیفه مدیریت و تنظیم ثروت خانواده را بر عهده دارد؛ اما هر گاه شیوه توزیع منابع با توافق اعضا انجام نشود مشروعیت سیستم زیر سؤال می‌رود و هر یک از افراد به‌منظور اشغال پایگاه بهتر بر میزان فاصله خود با دیگری می‌افزایند. تعادل، توزیع عادلانه، مدیریت توافق‌آمیز و کسب رضایت اعضا درون مجموعه از نظر پارسنز ضرورت کارکردی دارد. زیرا هر گونه ابهام در موقعیت فرد زمینه بی‌ثباتی را در سیستم ایجاد می‌کند (پارسنز، ۱۹۹۸: ۸۶). شیوه رهبری و نحوه ترسیم روابط درون چارچوب خانواده هسته‌ای از پیچیدگی زیادی برخوردار نیست زیرا نقش و پایگاه اعضا مشخص و محدود است. در حالی که مدیریت خانواده‌های گسترده به‌دلیل تکثر نقش‌ها و پایگاه‌های اعضا از پیچیدگی و بی‌نظمی بیشتری برخوردار است. به این ترتیب علاوه بر مطالعه نقش، پایگاه، ابزار و اهداف، مشروعیت مدیریت چیزی است که دائماً بازتولید می‌شود. زیرا در خانواده‌های گسترده روابط تعیین‌کننده جایگاه افراد است؛ در حالی که در خانواده‌های هسته‌ای نقش‌ها به‌سادگی روابط میان اعضا را نشان می‌دهد. بنابراین روابط منظم و سیستماتیک که دارای انسجام‌گویی می‌باشد میان اعضا قابل رؤیت است. چنین ویژگی ساختاری با شرایط جامعه جدید سازگارتر است. از سوی دیگر در این ساختار خانوادگی به‌دلیل وجود نقش‌های منحصر به فرد امکان جابجایی نقشی وجود ندارد، این مسئله باعث افزایش وابستگی بین اعضای می‌شود. در مقابل، در ساختار خانواده‌های گسترده جابجایی نقشی بسیار مرسوم‌تر است چرا که بقای سیستم متأثر نمی‌شود؛ اگر چه محتوای رابطه به‌دلیل از بین رفتن تفکیک تخصص‌یافته نقش‌ها تحریف می‌گردد (زلدیچ، ۱۹۹۸).

1. Instrumental Leadership

2. Situational Leadership

3. Zelditch

راندل کالینز^۱ از جمله نظریه‌پردازان مکتب تضاد که در سطح خرد به مطالعه روابط درون ساختار خانواده پرداخته است، اعتقاد دارد در طول تاریخ خانواده متأثر از شرایط ساختاری، تغییر شکل داده است؛ اما همواره کنشگران در بازسازی و تعریف مجدد چگونگی روابط میان اعضا نقش مهمی داشته‌اند. جان مایه اصلی نظریه تضاد در خانواده برگرفته از تحلیل منافع آشکار و پنهان اعضای خانواده، وجود نظام قشربندی (نابرابری) و توزیع ناعادلانه اقتدار (مشروعیت) می‌باشد (ریتزر، ۱۳۸۱). کالینز معتقد است نابرابری و احساس محرومیت زمینه‌ساز تضاد است؛ از سوی دیگر وجود کشمکش‌های موقتی میان اعضای خانواده به تقویت مشروعیت گروهی در برابر گروه دیگر منجر می‌شود. در هر دوره تاریخی هرم قشربندی در نظام اجتماعی به سمت یکی از ابعاد قدرت می‌چرخد. چنانچه ثروت در رأس هرم قرار گیرد پول، درآمد، اشتغال و دیگر متغیرهای حوزه اقتصاد در زمره منابع ارزشمند قرار می‌گیرد. گاه آن چیزی که به زن یا مرد در خانواده قدرت می‌دهد تا بیش از دیگری در امور دخل و تصرف داشته باشد پایگاه‌های متعددی است که دیگری از آن محروم است. زنی که در نقش معشوقه^۲، مادر و دوست ظاهر می‌شود به دلیل نیازمندی بیشتر به او قدرتمندتر می‌گردد. او روابط بین فردی را در قالب سه اصل کلی مطرح می‌کند:

اصل اول: افراد در جهان‌های ذهنی خودساخته‌ای زندگی می‌کنند. اصل دوم: افراد قدرت تأثیرگذاری یا نظارت بر تجربه ذهنی دیگران را دارند. اصل سوم: افراد جهت حذف یا نظارت بر عملکرد گروه رقیب تلاش می‌کنند (ریتزر، ۱۳۸۱: ۱۷۳). اگر چه کالینز و اسکات توافق بین فردی را در گروه‌های کوچک امکان‌پذیرتر می‌دانند؛ زیرا کنترل و پیش‌بینی رفتار افراد در شرایطی که نقش‌ها و پایگاه‌های متنوع و متفاوتی در یک واحد وجود دارد، بسیار دشوارتر است (کلترن و کالینز^۳، ۱۹۹۸: ۳۵۵).

جرج زیمل^۴ به‌عنوان یکی دیگر از نظریه‌پردازان مکتب تضاد با عنوان نمودن نظریه اعداد و سنجی تحت عنوان غریبه به بحث حاضر شکلی عینی می‌بخشد. به نظر او گروه‌های دوتایی ثبات‌مندتر از گروه‌های سه یا چهارتایی هستند زیرا عدم تمایل هر یک از اعضا کافی است تا کلیت گروه فرو پاشد (کوزر، ۱۳۸۰: ۲۵۹). شاید بارزترین جنبه راز این باشد که وجود حداقل دو نفر شرط لازمی است که راز معینی از تعلق یک نفر خارج شود و در عین حال شرط حداکثر هم هست که آن راز حفظ گردد (روزنبرگ و کوزر، ۱۳۸۲: ۷۱). زیرا

1. Randall Collins

2. Being Lover

3. Coltrane & Collins

4. Georg Simmel

مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های شهر زاهدان ۱۸۹

هر یک از آنان خود را رو در روی یک نفر می‌بیند و یک مجموعه را بر فراز خود احساس نمی‌کند. در گروه‌های سه نفره کیفیت کار و عملکرد افراد متأثر از شرایط ساختاری عوض می‌شود و آستانه نیاز تغییر می‌کند. عضو سوم می‌تواند در نقش میانجی، مسلط و یا تفرقه‌انداز ظاهر شود و ساختار گروه را کاملاً عوض کند (کوزر، ۱۳۸۰: ۲۵۹). هر یک از این پیامدها بسته به نقشی است که غریبه یا عنصر تازه وارد ایفا می‌کند. ظهور عنصر سوم نشان‌دهنده تغییر، آستی و زوال اختلاف مطلق است گر چه گاهی خود موجب اختلاف است. به‌عنوان مثال وقتی مادر بزرگ به ساختار خانواده اضافه می‌شود به دلیل فقدان نقش و جایگاه تعریف شده برای او، محتوای نقشی دیگر کنشگران دچار تغییراتی می‌شود. زیرا نقش مادر بزرگ محدود به محبت و صمیمیت با نوه‌ها می‌گردد؛ اما از آن‌جا که محتوای نقشی در درون ساختاری مطرح شده که غیر قابل انتظار است، لذا تجاوز به نقش مادری قلمداد می‌شود و از این حیث نوعی کشمکش میان این دو عضو درمی‌گیرد (سیف، ۱۳۶۸: ۱۰۹).

در این مقوله زیمبل به تأثیر عوامل ساختاری «تعداد» و «کمیت» بر روابط میان افراد در تنظیم نوع کنش‌های متقابل اجتماعی توجه نشان داد. از نظر او گروه‌های کوچک‌تر ابعاد وجودی (شخصیتی) بیشتری از فرد را به خدمت می‌گیرد؛ یعنی تعلق به گروه بیشتر می‌شود. با بزرگتر شدن گروه و به عضویت گرفتن افراد همسان و همپایه برای ایفای نقش‌های مشابه به دلیل کاهش توقعات گروه از تک‌تک افراد از احساس تعلق و مسئولیت فرد کاسته شده، فاصله اجتماعی میان فرد و ساختار بیشتر می‌شود (کوزر، ۱۳۸۰: ۲۶۱). بوزارد (۱۹۴۵) بر اساس یک فرمول ریاضی به ارتباط میان تعداد اعضای خانواده و تغییرات ایجاد شده در کمیت روابط خانوادگی اشاره می‌کند:

$$x = \frac{y^2 - y}{2}$$

x = تعداد ارتباطات بین زوجین
y = تعداد اعضاء خانواده

بر اساس فرمول بالا در یک خانواده ۵ عضوی ۱۰ رابطه شکل می‌گیرد و زمانی که این اعضا به ۸ نفر افزایش یابند ۲۸ رابطه قابل مشاهده است (سیف، ۱۳۶۸: ۱۱۸).

منطبق با آن‌چه در نظریات کارکردگرایان و تضادگرایان مطرح شد ساختار خانواده بر روابط خانوادگی میان اعضا تأثیر بسیار زیادی دارد. از آن‌جا که در خانواده‌های چندزنی یک مرد در روابط قدرت، روابط عاطفی و روابط جنسی با دو یا چند زن به‌صورت شراکتی وارد کنش متقابل می‌شود و هر یک از این زنان در یک سیستم تقسیم کار مشارکت می‌ورزند و نقش مشابهی را در ساختار خانواده بازی می‌نمایند؛ جهت

دستیابی به منابع مشترک، ارزشمند و کمیاب به شکل آشکار یا پنهان از مکانیزم رقابت استفاده می‌کنند. زیرا هر یک از این زنان دارای نقش و پایگاه واحدی در خانواده هستند و تقسیم ناعادلانه منابع زمینه‌ساز از بین بردن مشروعیت سیستم و افزایش کشمکش در روابط خانوادگی می‌شود.

فرضیه تحقیق: کشمکش در روابط خانوادگی خانواده‌های چندزن بیشتر از خانواده‌های تک همسر است.

تعریف عملیاتی مفاهیم

- **محتوای کشمکش:** در این تحقیق محتوای کشمکش از حیث وجود واکنش‌های برخوردی و دوگانه در روابط قدرت، روابط عاطفی و روابط جنسی میان اعضای خانواده مورد مطالعه قرار گرفته است. سنجش کشمکش در حوزه روابط قدرت حاصل جمع شاخص‌هایی همچون شیوه تقسیم کار و شیوه توزیع منابع ارزشمند است. وجود کشمکش در روابط عاطفی از طریق شاخص‌هایی نظیر احساس تعلق به شبکه خانوادگی، احساس محرومیت، میزان پذیرفته‌شدن و شیوه‌های ابراز علاقه - زبانی و عملی - عملیاتی شده است. کشمکش در روابط جنسی نیز با دو شاخص شیوه برقراری روابط زناشویی و احساس لذت‌مندی و برخورداری متقابل مورد سنجش قرار گرفت.
- **شدت کشمکش:** منظور از شدت کشمکش اندازه‌گیری میزان کشمکش است که دامنه‌ای از اشکال بسیار ساده و بدون خشونت تا روابط تنش‌زا و توأم با اختلافات بسیار شدید را در برمی‌گیرد. در این تحقیق، درگیری‌های روانی به‌عنوان خفیف‌ترین شکل کشمکش؛ بگومگوهای زبانی گویای کشمکش در اندازه متوسط و برخوردهای فیزیکی بیانگر شدیدترین صورت کشمکش در نظر گرفته شده است. درگیری روانی از طریق شاخص‌هایی نظیر خودگویی‌های ذهنی، بدبینی و انتقام‌گیری از خود و دیگران مورد ارزیابی قرار گرفت. بگومگوهای زبانی از طریق ارزیابی مفاهیمی که معنای نفرین، زخم زبان، فحش و ناسزا می‌دهند، سنجیده شد. برخوردهای فیزیکی از طریق شاخص‌هایی همچون تنبیه بدنی (کتک کاری)، زد و خورد‌های جسمی میان اعضای خانواده و قتل‌های خانوادگی عملیاتی شده است.

روش تحقیق

واحد اصلی مورد مطالعه در این تحقیق که به بررسی تطبیقی محتوا و شدت کشمکش در روابط خانوادگی در خانواده‌های چندزن و تک همسر شهر زاهدان می‌پردازد؛ خانواده در نظر گرفته شده است. به این ترتیب جامعه تحقیق حدود ۱۷۴۳۶۴ خانواده واقع در شهر زاهدان می‌باشد. حجم نمونه در مطالعه حاضر با استفاده از فرمول کوکرین به دست آمد:

مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های شهر زاهدان ۱۹۱

$$N = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$$

با جایگزین نمودن اعداد، حجم نمونه شامل ۳۷۹ زن متأهل در خانواده چندزن و تک‌همسر ساکن شهر زاهدان است که با توجه به محدودیت‌های تحقیق و با نظر متخصصان و صاحب‌نظران، حجم نمونه به ۳۰۰ زن متأهل که ۱۵۰ زن متعلق به خانواده چندزن و ۱۵۰ زن متعلق به خانواده تک‌همسر بودند، تقلیل یافت. از آن‌جا که نمونه تحقیق باید معرف -نماینده کل جامعه تحقیق- باشد، در این تحقیق از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ساده استفاده شد. ابتدا با توجه به نقشه‌های هوایی شهر زاهدان که در معاونت برنامه‌ریزی استانداری موجود بود، کلیه بلوک‌های شهر در نظر گرفته شدند سپس از بین همه بلوک‌ها، ۳۵ بلوک بر اساس توزیع جمعیت در آنها انتخاب شد. در مرحله بعد در هر بلوک به صورت تصادفی (۳ خانه در میان) ۱۲ خانه انتخاب و در صورت حضور زن متأهل در آن منزل تکمیل پرسشنامه آغاز شد.

در این تحقیق به منظور آزمودن فرضیه مطرح شده، از روش پیمایش^۱ و ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته و استاندارد که به شکل خود اجرا انجام شد؛ استفاده گردید. لازم به ذکر است از طریق پرسشنامه استاندارد «کیفیت زندگی» بیکر^۲ و دایموند^۳ (۱۹۹۵) که به فارسی ترجمه شده است (بیان‌زاده و کربلایی‌نوری، ۱۳۸۵) به سنجش شدت کشمکش پرداخته شد. برای احتساب روایی مقیاس‌ها از آلفای کرونباخ و جهت اطمینان از اعتبار آن از اعتبار محتوایی و صوری استفاده شد.

پس از تدوین پرسشنامه و تعیین حجم نمونه، بر اساس فرضیات تحقیق، پرسشنامه‌ای مقدماتی تنظیم شد که ۲۰ پاسخگو به مشارکت در آن پرداختند. پس از اجرای آن مشخص شد برخی گویه‌ها دارای ابهام هستند و یا ترتیب قرار گرفتن گویه‌ها مناسب نمی‌باشد. پس از رفع مشکلات پرسشنامه برای احتساب روایی مقیاس‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شد. این مقیاس‌ها با آلفای بیش از ۰/۷ به دست آمد که نشان از روایی درونی قابل اطمینان است.

1. Survey

2. M. Becker

3. R. Diamond

جدول (۱) ضریب روایی گویه‌های پرسشنامه

شاخص	پرسشنامه مقدماتی			پرسشنامه نهایی		
	تعداد پاسخگو	تعداد گویه	ضریب روایی	تعداد پاسخگو	تعداد گویه	ضریب روایی
شدت کشمکش	۲۰	۲۱	۰/۷۴	۳۰۰	۱۷	۰/۹۱
محتوای کشمکش در روابط قدرت	۲۰	۳۸	۰/۶۲	۳۰۰	۳۰	۰/۷۹
محتوای کشمکش در روابط عاطفی	۲۰	۱۸	۰/۸۵	۳۰۰	۱۸	۰/۸۶
محتوای کشمکش در روابط جنسی	۲۰	۶	۰/۸۸	۳۰۰	۷	۰/۹۰

یافته‌ها

در این مطالعه به منظور توصیف چشم‌انداز کلی ویژگی‌های جامعه تحقیق به برخی خصوصیت‌های زمینه‌ای گروه مورد بررسی به تفکیک ساختار خانواده اشاره می‌شود. همان‌گونه که در جدول (۲) نشان داده شده است، متوسط سن ۱۵۰ پاسخگویی که در خانواده تک‌همسر به سر می‌برند ۳۵/۳ و متوسط سن پاسخگویانی که متعلق به خانواده چندزن می‌باشند ۳۶/۵ سال است. حداقل سن پاسخگویان به ترتیب ۱۶ و ۱۵ سال و حداکثر سن آن‌ها ۶۴ و ۶۲ سال می‌باشد. متوسط سن همسر پاسخگویان نیز به ترتیب در خانواده تک‌همسر ۴۰ سال و در خانواده چندزن ۴۷/۷ سال است. بر اساس ارقام به دست آمده پایین‌ترین سن همسر پاسخگو در خانواده تک همسر ۱۸ سال و بالاترین آن ۷۶ سال بوده است. این متغیر در خانواده چندزن به ترتیب ۲۷ سال و ۷۸ سال به دست آمده است. مدت زناشویی زوجین در خانواده تک‌همسر و چندزن به طور متوسط ۱۵/۸ سال گزارش شده است. متوسط تعداد فرزندان که در خانواده تک‌همسر متولد شدند ۳/۶ نفر است. در حالی که متوسط تعداد فرزندان متولد شده در خانواده‌های چندهمسر ۹/۶ نفر می‌باشد. این در حالی است که حداکثر فرزند متولد شده در خانواده تک‌همسر ۹ نفر می‌باشد در حالی که این مقدار در خانواده چندزن تا ۱۷ فرزند

مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های شهر زاهدان ۱۹۳

افزایش داشته‌است. فاصله سنی میان زوجین در خانواده تک‌همسر ۴/۷ سال و در خانواده چندزن ۱۰/۶ سال می‌باشد.

جدول (۲) توصیف برخی مشخصات پاسخگویان بر حسب ساختار خانوادگی

خانواده چندزن				خانواده تک همسر				متغیرهای زمینه-ای
تعداد	بیشینه	کمینه	میانگین	تعداد	بیشینه	کمینه	میانگین	
۱۵۰	۶۲	۱۵	۳۶/۵	۱۵۰	۶۴	۱۶	۳۵/۳	سن زن
۱۵۰	۷۸	۲۷	۴۷/۷	۱۵۰	۷۶	۱۸	۴۰	سن شوهر
۱۵۰	۳۰	۱۲	۲۰	۱۵۰	۲۶	۱۱	۱۸/۸	سن زن در اولین ازدواج
۱۵۰	۵۰	۱	۱۵/۸	۱۵۰	۵۱	۱	۱۵/۸	مدت زناشویی
۱۵۰	۱۷	۵	۹/۶	۱۵۰	۹	۰	۳/۶	تعداد فرزند
۱۵۰	۳۹	۰	۱۰/۶	۱۵۰	۱۶	۰	۴/۷	فاصله سنی زوجین

همان‌طور که در جدول (۳) و نمودارهای ترسیم شده مشاهده می‌شود محتوای کشمکش در خانواده‌های تک‌همسر و چندزن متفاوت است. در حالی که کشمکش در روابط قدرت در خانواده‌های تک‌همسر مورد بررسی ۳۹/۵٪ خیلی زیاد و ۳۴/۱٪ زیاد گزارش شده است؛ در خانواده‌های چندزن کشمکش در روابط قدرت ۲۹/۲٪ خیلی زیاد و ۳۴/۵٪ زیاد به دست آمده است. ۱۰/۳٪ از خانواده‌های تک‌همسر و ۱۵/۱٪ از زنان در خانواده‌های چندزن کشمکش در روابط قدرت را در خانواده خود در سطح متوسط عنوان نمودند. ۴۱٪ از خانواده‌های تک‌همسر کشمکش در روابط عاطفی خود را خیلی زیاد و ۱۹/۸٪ از آن‌ها چنین کشمکشی را زیاد عنوان نمودند. در برابر ۶/۹٪ از خانواده‌های چندزن کشمکش در روابط عاطفی را در سطح خیلی زیاد و ۱۰/۵٪ چنین کشمکشی را در سطح زیاد مطرح نمودند. این در حالی است که ۲۱/۹٪ از گروه مورد مطالعه در ساختار خانوادگی تک‌همسر و ۳۳٪ از زنان مورد بررسی در خانواده چندزن کشمکش در روابط عاطفی را کم گزارش کردند. ۲/۷٪ زنان خانواده تک‌همسر در برابر ۱۶/۲٪ از زنان در خانواده چندزن چنین کشمکشی را خیلی کم گزارش نمودند. همچنین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ۱۴/۶٪ در خانواده تک‌همسر و ۳۴/۴٪ در خانواده چندزن کشمکش در روابط عاطفی را در سطح متوسط عنوان کردند. کشمکش در روابط جنسی در خانواده‌های تک‌همسر ۱۲/۲٪ خیلی زیاد و ۱۵/۷٪ زیاد عنوان شد در حالی که در خانواده‌های چندزن

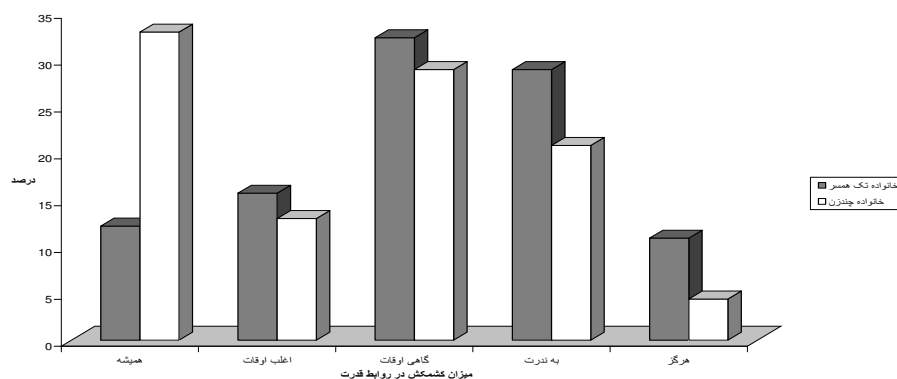
۱۹۴ پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷

به ترتیب این میزان ۳۲/۹٪ و ۱۳٪ گزارش شد. ۲۸/۹٪ از خانواده‌های تک‌همسر و ۲۰/۸٪ از خانواده‌های چندزن کشمکش با محتوای روابط جنسی را در خانواده خود کم عنوان کردند و تنها ۱۰/۹٪ در خانواده تک همسر و ۴/۴٪ در خانواده چندزن مقدار آن را خیلی کم تعریف نمودند. ۳۲/۳٪ و ۲۸/۹٪ از مشارکت‌کنندگان در خانواده تک‌همسر و چندزن کشمکش را در اندازه متوسط عنوان کرده‌اند.

جدول (۳) توزیع نسبی جمعیت مورد بررسی بر حسب محتوای کشمکش

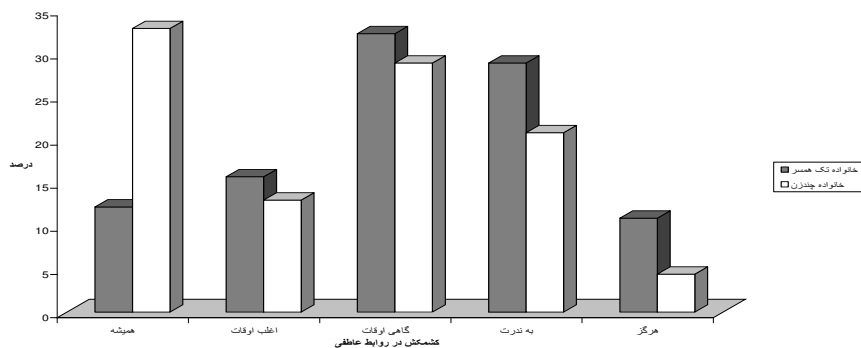
تعداد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	ساختار خانواده	محتوای کشمکش
۳۰۰	۳۹/۵٪	۳۴/۱٪	۱۰/۳٪	۸/۹٪	۷/۲٪	تک همسر	کشمکش در روابط قدرت
	۹/۸٪	۱۱٪	۱۵/۱٪	۳۴/۵٪	۲۹/۲٪	چندزن	
۳۰۰	۲/۷٪	۲۱/۹٪	۱۴/۶٪	۱۹/۸٪	۴۱٪	تک همسر	کشمکش در روابط عاطفی
	۱۶/۲٪	۳۳٪	۳۴/۴٪	۱۰/۵٪	۶/۹٪	چندزن	
۳۰۰	۱۰/۹٪	۲۸/۹٪	۳۲/۳٪	۱۵/۷٪	۱۲/۲٪	تک همسر	کشمکش در روابط جنسی
	۴/۴٪	۲۰/۸٪	۲۸/۹٪	۱۳٪	۳۲/۹٪	چندزن	

توزیع نسبی جمعیت مورد مطالعه بر حسب کشمکش در روابط قدرت

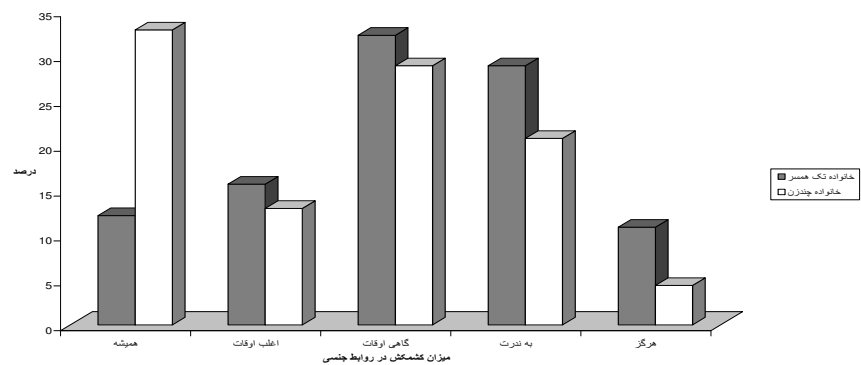


مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های شهر زاهدان ۱۹۵

توزیع نسبی جمعیت مورد بررسی بر حسب کشمکش در روابط عاطفی



توزیع نسبی جمعیت مورد بررسی بر حسب کشمکش در روابط جنسی



همان‌گونه که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود درگیری روانی که به‌عنوان خفیف‌ترین شکل کشمکش در این تحقیق محسوب می‌شود در خانواده‌های چندزن در مقایسه با خانواده‌های تک‌همسر شدیدتر است. درخصوص بگو مگوهای زبانی که سطح متوسط کشمکش را می‌سجد در ساختار تک‌همسر ۴۱٪ همیشگی، ۱۹/۸٪ اغلب‌اوقات، ۱۴/۶٪ گاهی‌اوقات، ۲۱/۹٪ به‌ندرت و ۲/۷٪ هیچ‌گاه عنوان شده است. درحالی‌که در خانواده‌های چندزن به ترتیب ۶/۹٪ همیشگی، ۱۰/۵٪ اغلب‌اوقات، ۳۴/۴٪ گاهی‌اوقات، ۳۳٪ به‌ندرت و ۱۶/۲٪ هیچ‌گاه گزارش شده‌است. در مورد برخوردهای فیزیکی که شدیدترین شکل کشمکش در روابط خانوادگی را می‌سجد ۱۲/۲٪ پاسخگویان در ساختار تک‌همسر آن را همیشگی، ۱۵/۷٪ اغلب‌اوقات، ۳۲/۳٪ گاهی‌اوقات، ۲۸/۹٪ به‌ندرت و ۱۰/۹٪ هیچ‌گاه عنوان نمودند. این در حالی است که در ساختار چندزن

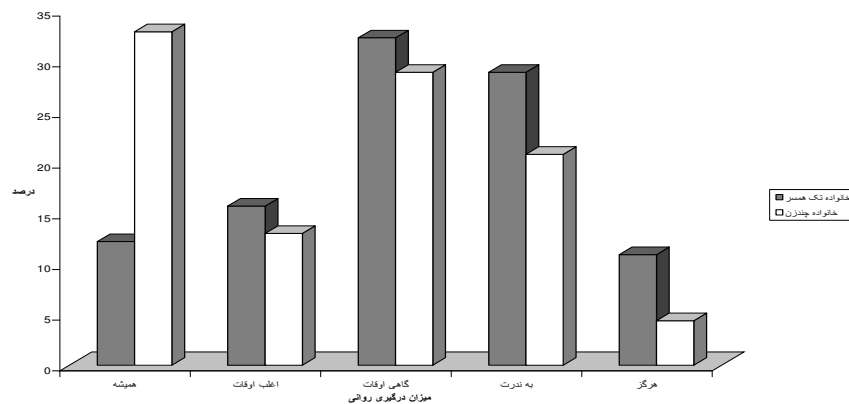
۱۹۶ پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷

درگیری‌های فیزیکی در روابط خانوادگی ۳۲/۹٪ همیشگی، ۱۳٪ اغلب اوقات، ۲۸/۹٪ گاهی اوقات، ۲۰/۸٪ به ندرت و ۴/۴٪ هیچ‌گاه به دست آمده است.

جدول (۴) توزیع نسبی جمعیت مورد بررسی بر حسب شدت کشمکش

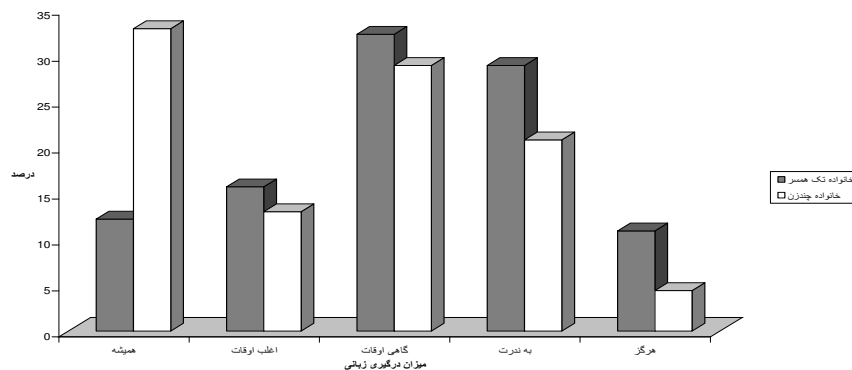
تعداد	هرگز	به ندرت	گاهی اوقات	اغلب اوقات	همیشه	ساختار خانواده	شدت کشمکش
۳۰۰	۱۱/۴٪	۱۰/۱٪	۲۹/۳٪	۱۸/۲٪	۳۱٪	تک همسر	درگیری روانی
	۹/۸٪	۱۱٪	۱۵/۱٪	۳۴/۵٪	۹/۲٪	چندزن	
۳۰۰	۲/۷٪	۲۱/۹٪	۱۴/۶٪	۱۹/۸٪	۴۱٪	تک همسر	درگیری زبانی
	۱۶/۲٪	۳۳٪	۳۴/۴٪	۱۰/۵٪	۶/۹٪	چندزن	
۳۰۰	۱۰/۹٪	۲۸/۹٪	۳۲/۳٪	۱۵/۷٪	۱۲/۲٪	تک همسر	درگیری فیزیکی
	۴/۴٪	۲۰/۸٪	۲۸/۹٪	۱۳٪	۳۲/۹٪	چندزن	

توزیع نسبی جمعیت مورد بررسی بر حسب میزان درگیری روانی

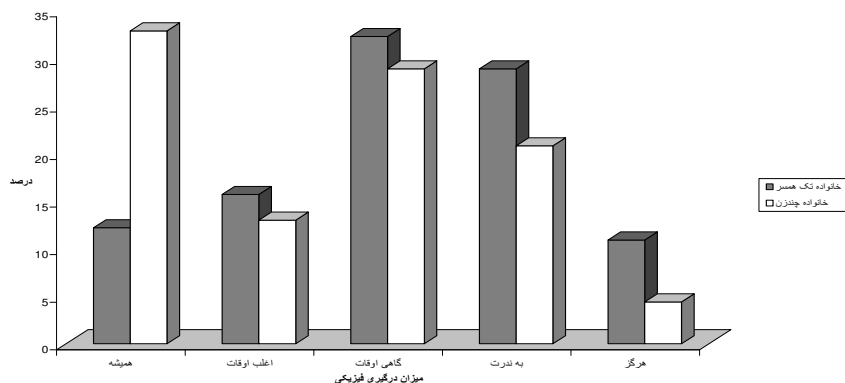


مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های شهر زاهدان ۱۹۷

توزیع نسبی جمعیت مورد بررسی بر حسب میزان درگیری زبانی



توزیع نسبی جمعیت مورد بررسی بر حسب میزان درگیری فیزیکی



با توجه به ارزش مقدار همان‌گونه که در جدول (۵) نشان داده شده است، میان ساختار عددی خانواده به‌عنوان متغیر مستقل با متغیرهای وابسته ارتباط معنی‌دار قوی و مثبتی وجود دارد. با توجه به تعداد گویه‌های مطرح شده در پرسشنامه بیشترین مقدار محتوای کشمکش در روابط قدرت با نمره ۱۵۰ و کمترین مقدار با نمره ۳۰ مشخص شده است. میانگین محتوای کشمکش در روابط قدرت با توجه به نتایج آماری به‌دست آمده ۰/۶۸۱ است. با توجه به تعداد گویه‌های مطرح شده جهت سنجش شدت کشمکش اعم از درگیری‌های روانی، بگومگوهای زبانی و برخوردهای فیزیکی بیشترین مقدار با نمره ۸۵ و کمترین میزان شدت کشمکش با نمره ۱۷ مشخص شده است میانگین شدت کشمکش ۰/۶ محاسبه شده است. به

بیشترین مقدار محتوای کشمکش در روابط عاطفی نمره ۹۰ و کمترین آن نمره ۱۸ داده شده است. میانگین محتوای کشمکش در روابط عاطفی بر اساس نتایج حاصل از آزمون آماری که در جدول نمایش داده شده ۰/۴۴ می‌باشد. در خصوص محتوای کشمکش در روابط جنسی بیشترین مقدار نمره ۳۵ و کمترین میزان ۷ در نظر گرفته شده است. میانگین محتوای کشمکش در روابط جنسی با توجه به آزمون آماری مندرج در جدول ۰/۳۹ می‌باشد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود این متغیرهای وابسته، به ترتیب دارای بیشترین و معنی‌دارترین رابطه با متغیر مستقل یعنی ساختار عددی خانواده می‌باشد. از این رو سطح معنی‌داری در همه متغیرهای مطرح شده کمتر از ۰/۰۰۵ است که در تحقیقات علوم اجتماعی معتبر و قابل استناد می‌باشد.

جدول (۵) تحلیل واریانس یک طرفه میانگین متغیرهای وابسته و ساختار عددی خانواده

eta	سطح معنی‌داری	مقدار F	چندزن		تک‌همسر ازن	ساختار عددی و شکل خانواده متغیر وابسته
			۳ و ۴ زن	۲ زن		
۰/۶	۰/۰۰۰	۳۴/۳۲	۷۷/۲۱	۵۳/۷	۳۹/۵	میانگین شدت کشمکش
۰/۶۸۱	۰/۰۰۰	۳۴/۱۳	۱۲۸/۱	۱۱۱/۵	۱۰۱	میانگین محتوای کشمکش در روابط قدرت
۰/۴۴	۰/۰۰۱	۵۷/۳۰	۶۴/۳	۶۴/۲	۶۷/۵	میانگین محتوای کشمکش در روابط عاطفی
۰/۳۹	۰/۰۰۰	۳۶/۷۴	۲۳/۹	۱۸/۶	۹/۸	میانگین محتوای کشمکش در روابط جنسی

همان‌گونه که در جدول (۶) ملاحظه می‌شود میان متغیرهای وابسته تحقیق و متغیر مستقل که این‌بار ساختار نوعی خانواده است ارتباط معنی‌داری وجود دارد. این ارتباط میان متغیر وابسته شدت کشمکش با مقدار ۰/۵۱ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. میان ساختار نوعی خانواده و میانگین محتوای کشمکش در روابط قدرت با مقدار ۰/۴۸ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ نشان از ارتباط مثبت و قوی دارد. در خصوص ارتباط میان ساختار نوعی خانواده به‌عنوان متغیر مستقل و میانگین محتوای کشمکش

مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های شهر زاهدان ۱۹۹

در روابط عاطفی به‌عنوان متغیر وابسته نیز مقدار ۰/۴۹۱ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به‌دست آمد. اگر چه مقدار به‌دست آمده از ارتباط میان محتوای کشمکش در روابط جنسی و ساختار نوعی خانواده بسیار کم می‌باشد اما این مقدار معنی‌دار است.

جدول (۶) تحلیل واریانس یک‌طرفه میان متغیرهای وابسته و ساختار نوعی خانواده

ETA	سطح معنی داری	مقدار F	چندزن			تک همسر			ساختار خانواده متغیر وابسته (میانگین)
			مرکب	گسترده	هسته‌ای	گسترده	هسته‌ای	زن و شوهری	
۰/۵۱	۰/۰۰۰	۱۸/۳۱۶	۸۱/۷۲	۶۶/۷۶	۶۰/۰۷	۷۸/۸۹	۵۸/۴	۳۹/۵۷	شدت کشمکش
۰/۴۸	۰/۰۰۰	۱۷/۰۳	۱۴۱/۵	۱۰۳/۷۱	۹۹/۸۷	۱۰۰/۸۳	۸۲/۰۴	۷۷/۹۱	محتوای کشمکش در روابط قدرت
۰/۴۹۱	۰/۰۰۰	۱۷/۲۲۹	۵۱/۳۴	۴۹/۷۲	۴۰/۳۲	۴۸/۰۳	۲۳/۷۲	۱۹/۸۴	محتوای کشمکش در روابط عاطفی
۰/۲۱۹	۰/۰۰۴	۹/۳۱۲	۳۳/۲۵	۲۷/۳۲	۲۷/۲۱	۱۴/۲	۱۱/۸۱	۱۰/۱۹۱	محتوای کشمکش در روابط جنسی

همان‌گونه که در جدول شماره (۷) نشان داده شده است میان متغیر وابسته و شیوه سکونت که به‌نوعی نشانگر ساختار خانواده در این تحقیق می‌باشد ارتباط معنی‌داری وجود دارد. به‌طوری‌که میانگین شدت کشمکش در خانواده‌هایی که در منزل مسکونی مستقل و به‌صورت خانواده هسته‌ای متشکل از یک زن و شوهر همراه با فرزند یا فرزندان احتمالی به‌سر می‌برند؛ به شکل معنی‌داری کمتر از خانواده‌هایی است که در منزل مشترک با هووها، مادرشوهر یا مادر زن، عروس یا داماد و دیگر خویشاوندان زندگی می‌کنند. علاوه بر میانگین شدت کشمکش، دیگر متغیرهای وابسته اعم از محتوای کشمکش در روابط قدرت، روابط عاطفی و روابط جنسی نیز به‌شکل معنی‌داری با شیوه سکونت ارتباط دارد.

جدول (۷) تحلیل واریانس یک‌طرفه میان متغیرهای وابسته و شیوه سکونت

ETA	سطح معنی داری	مقدار F	منزل		شیوه سکونت متغیر وابسته
			مشترک	مستقل	
۰/۶۸	۰/۰۰۰	۴۷/۱۲	۷۹/۰۹	۵۳/۹۲	میانگین شدت کشمکش
۰/۶۱	۰/۰۰۰	۳۹/۳۲	۱۴۲/۰۱	۱۰۷/۳۹	میانگین محتوای کشمکش در روابط قدرت
۰/۴۴	۰/۰۰۱	۳۶/۵۲	۸۸/۳۱	۶۳/۸۱	میانگین محتوای کشمکش در روابط عاطفی
۰/۴۹	۰/۰۰۰	۳۸/۹۱	۳۰/۰۸	۲۱/۳۲	میانگین محتوای کشمکش در روابط جنسی

لازم به ذکر است که با توجه به اصل $(-1 \leq R \leq +1)$ مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین ۱ تا -۱ نوسان دارد و نزدیکی به ۱ نشانگر شدت رابطه است. بر این اساس نتایج به دست آمده در جدول (۸) نشان می‌دهد رابطه بین شدت کشمکش و میانگین تعداد زنان خانواده در مقایسه با دیگر متغیرهای زمینه‌ای و مستقل تحقیق، از تمامی ابعاد قوی‌تر است. به این معنا که با افزایش تعداد زنان بر شدت کشمکش در روابط خانوادگی افزوده می‌شود. میانگین تعداد فرزندان در خانواده نیز با شدت کشمکش در روابط خانوادگی ارتباط معنی‌دار، مثبت و قوی دارد. میان میانگین مدت زمان زناشویی و شدت کشمکش همبستگی نسبتاً ضعیف اما معنی‌داری مشاهده می‌شود. به این معنا که هر چه مدت زمان زناشویی میان زوجین افزایش نشان می‌دهد، کشمکش در روابط خانوادگی نیز تا حدودی بیشتر می‌شود. میان میانگین میزان تحصیلات زن و متغیر شدت کشمکش همبستگی معنی‌داری دیده نشد. میان شدت کشمکش با متغیر میانگین فاصله سنی میان زوجین رابطه معکوس، قوی و معنی‌داری ملاحظه می‌شود. به طوری که نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد شدت کشمکش میان زوجینی که فاصله سنی آن‌ها کمتر است بیشتر می‌شود.

جدول (۸) ضریب همبستگی پیرسون شدت کشمکش با متغیرهای زمینه‌ای و مستقل

متغیر	میانگین تعداد فرزندان خانواده	میانگین تعداد زنان خانواده	میزان تحصیلات زن	میانگین فاصله سنی میان زوجین	میانگین مدت زناشویی
شدت کشمکش	۰/۴۹ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۰	۰/۵۸ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۰	۰/۰۸۶ n=۳۰۰ p=۰/۰۱۱	-۰/۲۹۳ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۴	۰/۲۳۱ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۰

بر اساس نتایج به‌دست آمده در جدول (۹) محتوای کشمکش در حوزه روابط قدرت با همه متغیرهای زمینه‌ای و مستقل همبستگی معنی‌داری دارد. در این میان میانگین تعداد فرزندان و میانگین تعداد زنان خانواده ارتباط قوی‌تری با کشمکش در روابط قدرت برقرار می‌کنند. بنابراین کشمکش در روابط قدرت در خانواده‌هایی که میانگین تعداد زنان و فرزندانشان بالاتر است به شکل قابل توجهی بیشتر می‌باشد. بین متغیر میانگین فاصله سنی میان زوجین با متغیر کشمکش در روابط قدرت، همبستگی معکوس و نسبتاً معنی‌داری مشاهده می‌شود. به این ترتیب کشمکش در روابط قدرت میان زوجینی که فاصله سنی آن‌ها کمتر است بیشتر ملاحظه می‌گردد. همچنین نتایج به‌دست آمده در جدول نشان می‌دهد، میانگین مدت زمان زناشویی ارتباط مثبت، نسبتاً ضعیف اما معنی‌داری با کشمکش در روابط قدرت دارد. به این ترتیب زوجینی که مدت زمان بیشتری با هم زندگی کرده‌اند در مقایسه با زوجینی که مدت کمتری زندگی مشترک را تجربه نموده‌اند در حوزه روابط قدرت کشمکش بیشتری داشتند. در این میان همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تحصیلات زن در ایجاد کشمکش در روابط قدرت نقش مؤثری ایفا می‌کند. به‌گونه‌ای که همراه با بالا رفتن سال‌های تحصیل زن، کشمکش در روابط قدرت در خانواده نیز افزایش می‌یابد. در واقع از آن‌جا که تحصیلات به‌عنوان یک منبع قدرت برای زن شناخته می‌شود لذا مجهز بودن زن به این منبع، انتظارات او را نسبت به موقعیت و سهمش از منابع ارزشمند درون خانواده افزایش می‌دهد.

جدول (۹) ضریب همبستگی پیرسون کشمکش در روابط قدرت با متغیرهای زمینه‌ای و مستقل

متغیر	میانگین تعداد فرزندان خانواده	میانگین تعداد زنان خانواده	میزان تحصیلات زن	میانگین فاصله سنی میان زوجین	میانگین مدت زناشویی
کشمکش در روابط قدرت	۰/۴۱۶ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۰	۰/۴۱۲ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۰	۰/۱۹۸ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۱	-۰/۲۹۸ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۰	۰/۱۲۸ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۴

با توجه به نتایج به‌دست آمده در جدول (۱۰) کشمکش در روابط عاطفی با متغیرهایی همچون میانگین تعداد فرزندان و میانگین تعداد زنان در خانواده ارتباط معنی‌داری دارد. این همبستگی همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود بسیار قوی است. بنابراین در خانواده‌هایی که تعداد فرزند و زن بیشتر است، کشمکش در حوزه روابط عاطفی نیز افزایش می‌یابد. این در حالی است که میان میزان تحصیلات زن و مدت زناشویی با متغیر کشمکش در روابط عاطفی همبستگی معنی‌داری حاصل نشد. میانگین فاصله سنی زوجین با متغیر کشمکش در روابط عاطفی ارتباطی معکوس و معنی‌دار دارد. بنابراین هر جا که فاصله سنی زوجین کمتر گزارش شده کشمکش در روابط عاطفی بیشتر بوده است.

جدول (۱۰) ضریب همبستگی پیرسون کشمکش در روابط عاطفی با متغیرهای زمینه‌ای و مستقل

متغیر	میانگین تعداد فرزندان خانواده	میانگین تعداد زنان خانواده	میزان تحصیلات زن	میانگین فاصله سنی میان زوجین	میانگین مدت زمان زناشویی
کشمکش در روابط عاطفی	۰/۴ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۰	۰/۵۹۱ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۰	۰/۰۱۲ n=۳۰۰ p=۰/۰۴۷	-۰/۱۴۴ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۲	۰/۰۹۵ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۶

مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های شهر زاهدان ۲۰۳

نتایج به‌دست آمده در جدول (۱۱) نشان می‌دهد کشمکش در روابط جنسی با متغیر میانگین تعداد زنان در خانواده و میانگین مدت زمان زناشویی ارتباط معنی‌دار و قوی دارد. بنابراین با افزایش تعداد زنان و یا افزایش مدت زمان زناشویی کشمکش‌های جنسی زوجین بالا می‌گیرد. متغیر تعداد فرزندان خانواده نیز اگر چه همبستگی بسیار کمی با کشمکش جنسی زوجین دارد، اما این مقدار بر اساس نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون معنی‌دار می‌باشد. این مقدار در خصوص متغیر میانگین فاصله سنی زوجین به‌صورت معکوس اما بسیار قابل ملاحظه است. بنابر مقدار به‌دست آمده از ضریب همبستگی پیرسون کشمکش جنسی میان زوجینی که فاصله سنی آن‌ها کمتر است بیشتر می‌باشد. میزان تحصیلات زن در این خصوص متغیر تأثیرگذاری تلقی نمی‌شود.

جدول (۱۱) ضریب همبستگی پیرسون کشمکش در روابط جنسی با متغیرهای زمینه‌ای و مستقل

متغیر	میانگین تعداد فرزندان خانواده	میانگین تعداد زنان خانواده	میزان تحصیلات زن	میانگین فاصله سنی میان زوجین	میانگین مدت زمان زناشویی
کشمکش در روابط جنسی	۰/۱۲۱ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۳	۰/۴۳ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۰	۰/۰۶۲ n=۳۰۰ p=۰/۰۵۲	-۰/۳۹۳ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۰	۰/۴۴۱ n=۳۰۰ p=۰/۰۰۰

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد اگرچه پاسخگویان در خانواده‌های چندزن و تک‌همسر به لحاظ برخی ویژگی‌های زمینه‌ای تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند که در افزایش میزان کشمکش در روابط خانوادگی از مهم‌ترین عوامل است؛ اما در بسیاری موارد به‌دلیل وجود بستر فرهنگی و اجتماعی مشترک موقعیت‌های یکسانی ملاحظه شده است. میانگین سن پاسخگویان در خانواده‌های تک‌همسر ۳۵/۳ و در خانواده‌های چندزن ۳۶/۵ سال است. حداقل سن پاسخگویان به ترتیب ۱۶ سال و ۱۵ سال و حداکثر سن آن‌ها ۶۴ و ۶۲ سال گزارش شده است. اما میانگین تعداد فرزندان که در خانواده تک‌همسر متولد شدند ۳/۶ نفر است در حالی که متوسط تعداد فرزندان متولد شده در خانواده‌های چند همسر ۹/۶ نفر می‌باشد. در شرایطی که

حداکثر فرزند متولد شده در خانواده تک همسر ۹ نفر می‌باشد در خانواده چندزن این مقدار به ۱۷ فرزند می‌رسد. منطبق با چارچوب نظری تحقیق ساختار عددی یکی از عوامل تأثیرگذار بر افزایش کشمکش در روابط خانوادگی است. در واقع افزایش تعداد اعضای خانواده که ساختار جمعیتی خانواده‌های چندزن را تحت تأثیر قرار می‌دهد به گونه‌ای که در آن تعداد ناخواهری‌ها و نابرداری‌ها تا این اندازه بالا می‌رود، به دلیل ثابت ماندن امکانات و منابع خانواده فضای شخصی و اختیارات فرد را محدود می‌کند و زمینه برخورد را فراهم می‌آورد. از دیگر عوامل وابسته به ساختار جمعیتی، تعداد زنان در خانواده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد کشمکش در روابط قدرت و روابط جنسی در خانواده‌های چندزن بیش از خانواده‌های تک همسر است. با افزایش تعداد زنان در خانواده‌های چندزن بر شدت کشمکش افزوده می‌شود. به این ترتیب ساختار جمعیتی به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در محتوا و شدت کشمکش در روابط خانوادگی می‌باشد.

در خصوص فاصله سنی میان زوجین هم تفاوت قابل توجهی میان این دو ساختار خانوادگی گزارش شده است که نتایج حاصل از آزمون پیرسون به وضوح آن را نشان می‌دهد. در خانواده‌های تک همسر فاصله سنی میان زوجین ۴/۷ سال و در خانواده چندزن ۱۰/۶ سال می‌باشد. چنین تفاوتی نشان می‌دهد زنان دوم، سوم و چهارم مرد اغلب بسیار جوان‌تر از مرد و همسر اول او هستند و چنانچه جوانی به عنوان یکی از منابع ارزشمند برای زن تعریف شود زنان جوان‌تر در عرصه روابط قدرت جایگاهی محکم‌تر خواهند داشت. از آنجا که تفاوت سنی میان زوجین در خانواده‌های تک همسر به استانداردهای مورد قبول متخصصان و صاحب نظران در حوزه خانواده نزدیک‌تر است؛ از این رو محتوای کشمکش در روابط جنسی و روابط قدرت در خانواده‌های چندزن به شکل قابل توجهی بیش از خانواده‌های تک همسر است.

از دیگر متغیرهای مهمی که در دو ساختار خانوادگی مورد مطالعه به گونه‌ای متفاوت به دست آمد؛ میزان کشمکش بر حسب شکل خانواده و شیوه سکونت است. اگرچه بر اساس اطلاعات به دست آمده تعداد زیادی از خانواده‌های مورد مطالعه در این تحقیق با حضور فردی تحت عنوان غریبه اعم از عروس/داماد، مادرشوهر/مادرزن، پدرشوهر/پدرزن و... زیر یک سقف تعریف می‌شوند؛ اما هریک از این خانواده‌ها درجات مختلفی از کشمکش را در روابط میان اعضاء ایجاد می‌کند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که میانگین شدت کشمکش در خانواده‌های چندزن در هر شکلی اعم از هسته‌ای، گسترده و مرکب، بیش از خانواده‌های تک همسر است. حتی در مواردی که خانواده تک همسر شکل گسترده دارد، شدت کشمکش در روابط خانوادگی به شکل معنی‌داری کمتر به دست آمده است. از این رو می‌توان منبع کشمکش در خانواده را در

مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های شهر زاهدان ۲۰۵

روابط میان هووها تعریف کرد. در این میان شیوه سکونت به‌عنوان یک متغیر قابل توجه، تأثیرات زیادی بر روابط خانوادگی دارد. این متغیر به‌عنوان شاخصی تأثیر گذار در مطالعه الشربینه و حسونه دو محقق عرب نتیجه معکوس نشان داده است. به‌طوری‌که مهم‌ترین منبع کشمکش در این خانواده‌ها زن اول به همراه فرزندان با مرد خانواده و فرزندان ذکور دیگر زنان بوده است (دنا حسونه^۱، ۲۰۰۱؛ الشربینه^۲، ۲۰۰۵: ۱۹۵-۲۰۳).

نتایج به‌دست آمده در این زمینه نشان می‌دهد که کشمکش در خانواده‌های چندزن دارای منزل مسکونی مشترک ۱/۵ برابر بیشتر از خانواده‌های چندزن دارای منزل مسکونی مستقل است.

طی یک تقسیم‌بندی شفاف می‌توان گفت محتوای کشمکش در خانواده‌های چندزن بیشتر در حوزه روابط قدرت برقرار است. جایی که توافق بر سر شیوه تقسیم کار و توزیع منابع ارزشمند و محدود خانواده به هم می‌خورد. محتوای کشمکش در حوزه روابط جنسی در وهله دوم قرار دارد. به‌گونه‌ای که ۱۲/۲٪ از خانواده‌های تک‌همسر در برابر ۳۲/۹٪ از خانواده‌های چندزن کشمکش در روابط خانوادگی خود را بر سر مسائل مربوط به روابط جنسی عنوان نمودند. سارجنت و دنیس^۳ (۲۰۰۳) نیز در مطالعه خود به نتایج مشابهی در این زمینه رسیدند. در شرایطی که محتوای کشمکش در حوزه روابط عاطفی در خانواده‌های تک‌همسر و چندزن تفاوت معنی‌داری ندارد. به این معنا که زنان در خانواده‌های چندزن و تک‌همسر به یک اندازه احساس محرومیت، عدم پذیرش و فقدان احساس تعلق عاطفی به خانواده دارند.

در این تحقیق علاوه بر محتوای کشمکش، شدت کشمکش نیز مورد سنجش قرار گرفته است. از نتایج تجربی به‌دست آمده می‌توان نتیجه گرفت برخورد فیزیکی به‌عنوان شدیدترین شکل کشمکش در میان اعضای خانواده‌های چندزن سه برابر بیش از خانواده‌های تک‌همسر است. بنابراین زد و خورد میان اعضا و حتی قتل‌های خانوادگی در این خانواده‌ها به شکل قابل توجهی بیشتر است. در خصوص درگیری‌های روانی که به نوعی خودگویی ذهنی و احساس بدبینی و انتقام‌گیری را شامل می‌شود و در این مطالعه به‌عنوان شکل خفیف کشمکش تعریف شده، می‌توان به وجود ۴۹/۲٪ از زنان در خانواده‌های تک‌همسر در برابر ۴۳/۷٪ در خانواده‌های چندزن اشاره نمود. واضح است در این میان متغیرهای مستقلی همچون تعداد اعضا،

¹.Dena.Hassouneh

².AL-Sherbiny

³.Sargent& Dennis

۲۰۶ پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷

شیوه سکونت و شکل خانواده تأثیرات معنی‌داری بر شدت کشمکش داشته‌اند. این نتیجه در تحقیق اندرسون^۱ (۱۹۹۸) و استفانی^۲ (۲۰۰۷) نیز به‌دست آمد.

به‌طور کلی با تأکید بر نتایج نظری و تجربی به‌دست آمده می‌توان نتیجه گرفت حضور غریبه در ساختار خانواده تأثیرات بسیار زیادی بر محتوا و شدت کشمکش در روابط خانوادگی می‌گذارد. به‌گونه‌ای که روابط میان اعضای خانواده بر حسب ساختار جمعیتی و نوع خانواده به شکل معناداری تغییر می‌کند. وجود روابط کشمکش‌زا در خانواده‌های چندزن شهر زاهدان در مقایسه با خانواده‌های تک همسر نشان از اثبات تجربی ادبیات نظری مقاله حاضر دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود جهت تقویت صمیمیت و جلوگیری از کشمکش در روابط خانوادگی، ضوابط حقوقی مشخص و علمی در خصوص شکل و ساختار خانواده در جامعه مورد بررسی قرار گیرد و برخی از انواع خانواده که با شرایط جامعه جدید ناسازگار است، با محدودیت‌های قانونی مواجه شوند تا از کشمکش و تضاد در محیط صمیمی خانواده کاسته شود.

منابع

- اعزاززی، شهلا (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- امانی، مهدی (۱۳۸۰) «نگاهی به چهل سال تحول جمعیت‌شناختی ازدواج در ایران، سال ۱۳۳۵-۱۳۷۵»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۷.
- خسروی، زهره (۱۳۸۰) «بررسی آسیب‌های روانی- اجتماعی زنان سرپرست خانوار» فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۳۹، صص ۷۱-۹۴.
- روزن‌باومن، هایدی (۱۳۶۷) خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه: محمد صادق مهدوی، تهران: نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۱) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- زیمل، جورج (۱۳۸۴) «جامعه‌شناسی خانواده»، ترجمه از آلمانی به انگلیسی: دیوید فریزبی و مارک ریتز، ترجمه از انگلیسی به فارسی: فرهاد گوشیر و حشمت‌الله معینی‌فر، مجله پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۳، پائیز، صص ۱۹۵-۲۰۸.
- سگالین، مارتین (۱۳۷۰) جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه: حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- سیف، سوسن (۱۳۶۸) تئوری رشد خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه الزهراء.
- فرید، محمدصادق (۱۳۸۳) درآمدی بر خانواده و نظام خویشاوندی، تهران: پشتون.

1. Anderson

2. Steffani

مطالعه تطبیقی روابط خانوادگی در خانواده‌های شهر زاهدان ۲۰۷

- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنالد (۱۳۸۲) نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- گئورگ، زیمل (۱۳۸۶) مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی، ترجمه: شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- گود، ویلیام (۱۳۵۲) خانواده و جامعه، ترجمه: ویدا ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مجاهد، عزیزالله؛ بیرشک، بهروز (۱۳۸۳) «وضعیت رفتاری کودکان و سلامت روانی والدین در خانواده‌های چند همسری»، مجله اندیشه و رفتار، سال نهم، شماره ۳، صص ۶۰-۶۷.

AL- Sherbiny, Ahmad (2005) "The Case of First Wife in Polygamy", Arab Psynet Journal, No8. November, pp. 18-26.

Anderson, M. Gary ; Tollison, D.Robert (1998)"Interests and Prohibition of Polygamy", Journal of Economic Behavior and Organization, Vol. 35.

Coltrane, Scott ; Collins, Randall (1995) *Sociology of Marriage & the Family*, United State.

Dena Hassaouneh, Phillips (2001)"Polygamy and Wife Abuse: A Qualitative Study of Muslim Women in America", Health Care for Women in International Journal, Volume 2. Number4, pp. 73-92.

Elbedour, S. Bart William ; Joel Hektner(2007) "The Relationship between Monogamous/ Polygamous Family Structure and the Mental Health of Bedouin Arab Adolescents ", Journal of Adolescence, Volume 30, pp. 213-230.

Elbedour, Salman. J. ; Onwuegbuzie, Antony ; Abusad, Hasan (2002) "The Effect of Polygamous Marital Struture on Behavioral, Emotional and Academic Adjustment in Children", Clinical Child and Family Psychology Review, Vol. 5, No.4, December, pp. 225-271.

Goode, J. William (1989) *The Family*, New Delhi, Second Edition.

Leeder, J. Elaine (2004) *The Family in Global Perspective*, Printed in the United States of America.

Parsons, Talcott (1998) *Family Socialization and Interaction Process*, Printed and Bounded in Grate Britain.

Sargent, Carolyn ; Cordell, Dennis (2003) "Polygamy, Disrupted Reproduction, and the State: Malian Migrants in Paris Social Science & Medicine", No. 56. pp. 961-972.

Stefan, Georg(2007)"Effect of Polygamous Marital Structure on the Wives", Gender Studies, Vol. 4, No. 1, July, pp.25-39.

Zelditch, JR. Morals.(1998) *Role Differentiation in the Nuclear Family: A Comparative Study*, Rutledge.